

محمود کنایی
استادیارگروه علوم اجتماعی

تشنج زدایی، گذشته و آینده آن

قبل از شروع به بحث درباره تشنج زدایی و آینده آن لازم است اندکی در مورد دوواژه جنگ سرد و تشنج زدایی به توضیحاتی بپردازیم .

جنگ سرد

جنگ سرد، عبارت از حالت تشنج و تضاد سیاسی، اقتصادی یا ایدئولوژیک بین دو دولت یا دو بلوک که با جنگ شدید تبلیغاتی همراه و توأم بوده و هر کدام از دو طرف می کوشند به طرح و اعمال سیاست هایی بپردازند که تقویت خود و تضعیف طرف مقابل را بدنبال داشته باشد. دو دولت یا دو بلوک در عین حال از بکار بردن نیروی نظامی و دست زدن به جنگ (جنگ گرم) امتناع می ورزند. این اصطلاح پس از جنگ جهانی دوم (از سال ۱۹۴۷) مکرراً در مورد روابط و مناسبات خصمانه قدرت های غربی و اتحاد جماهیر شوروی بکار رفته است. جنگ سرد بارها جهان را به ورطه جنگ واقعی سوق داده است.

تشنج زدایی چیست؟

تشنج زدایی که بر گردان واژه فرانسه détente بوده، معادل ایتالیایی آن distensione، معادل آلمانی آن Entspannung و معادل روسی آن - Razviadka می باشد اصطلاحی از علم روابط بین الملل و فن دیپلماسی است که متضمن پایان بخشیدن به روابط متشنج بین دولت ها و با کاهش تشنجات و مخاصمات بین آنهاست (۱) تشنج زدایی مرحله قبل از ایجاد روابط حسنه Rapprochement بین دولت هایی است که از لحاظ روابط خارجی برای مدت های طولانی در حالت تشنج، بحران و بیگانگی بسر برده، روابط دو کشور آلمان و فرانسه بعد از جنگ دوم جهانی پس از قرون متمادی که بین آنان دشمنی و خصومت و تشنج وجود داشت به مرحله تشنج زدایی نزدیک شد. ذوب شدن یخ جنگ سرد در اواسط سال های ۶۰ در حقیقت تصویر است از تشنج زدایی بین آمریکا و شوروی تشنج زدایی به معنای تخفیف است. و از لحاظ لغوی détente مأخوذ از واژه فرانسوی به معنای ماشه تفنگ یا هر سلاح آتشین دیگر است (۲). تشنج زدایی را می توان به طور کلی تدوین قوانین و وضع محدودیت ها برای جلوگیری از توسعه سلاح های استراتژیک پنداشت. همچنین افزایش محسوس منطق گفت و گویی در روابط شرق و غرب جلوگیری از ایجاد سوء تفاهات و داوری های نادرست و نابخردانه که منجر به مخاصمات واقعی و درگیری های نظامی می شوند نیز محتوای تشنج زدایی را تشکیل می دهد.

تشنج زدایی در اروپا در سال ۱۹۷۰ با سیاست «نگاه به شرق» (گرایش شرق) دولت ویلی برانت و در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۲ با دیدار ریچارد نیکسون

از مسکو و امضای اولین موافقت نامه «سالت» (۳) موافقت نامه برای محدود نمودن سلاح‌های استراتژیک (شروع می‌شود .

یکی از علل اساسی آغاز تشنج‌زدایی افزایش قدرت نظامی شوروی، جبران عقب ماندگی این کشور در زمینه سلاح‌های استراتژیک و به عبارت دیگر تحول در رابطه جهانی قدرت‌های بزرگ است . واقعیت وجود سلاح‌های هسته‌یی و گرایش جهانی به سوی صلح و همزیستی را می‌توان از جمله سبب‌های دیگر ظهور تشنج‌زدایی دانست ، نزدیکی آمریکا و چین انگیزه مهم دیگریست که شوروی را در بهبود مناسباتش با غرب ترغیب می‌نماید . روی هم رفته می‌توان گفت که از زمان شروع تشنج‌زدایی از تعداد بحران‌های حاد جهانی کاسته شده، دخالت ابر قدرت‌ها در خاورمیانه و تحریک طرف‌های منخاصمه به کاهش گراییده و بطور کلی از رودر-رویی‌های نظامی و مخاطره آمیز اجتناب شده است .

کنفرانس هلسینکی

صرف نظر از سیاست «نگاه به شرق» ویلی برانت صدراعظم پیشین آلمان و امضای اولین قرارداد موافقت نامه سالت ، کنفرانس هلسینکی و صدور اعلامیه نهایی آن از مهم‌ترین رویدادها در زمینه سیاست تشنج‌زدایی و تفاهم بوده است . اعلامیه حاوی سه اصل کلی بود :

۱- هیچ تلاشی برای تغییر مرزهای اروپایی بزور صورت نخواهد گرفت . این اصل امضای پیمان‌های ناتو و ورشورا مقید و موظف می‌کرد که هنگام انجام مانورهای عمده طرف دیگر را در جریان گذاشته و ناظرانی رادعوت نمایند .

۲- همکاری‌های اقتصادی و مربوط به فن‌شناسی

۳- رعایت حقوق انسانی و آزادی مبادله اطلاعات

کنفرانس و اعلامیه نهایی آن که در اول اوت ۱۹۷۵ به امضای ۳۵ کشور (آمریکا، کانادا و تمام کشورهای اروپایی بجز آلبانی) رسید، از کنگره وین به بعد در نوع خود بی نظیر بود. منظور از امضای پیمان یکصد صفحه‌ی به طور قطع قوام و استحکام بخشیدن به تشنج زدایی بود. در طول یک سال و نیم که از کنفرانس می گذرد معلوم گشته است که بعضی مواد اعلامیه در عین صراحت و رسمی بودن قادر به موظف و متعهد کردن امضا کنندگان اعلامیه نبوده اند، البته لازم به توضیح است که نفس گرد آمدن و شرکت ۳۵ کشور اروپایی و غیر اروپایی در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا خود شایان توجه بوده و در نوع خود موفقیتی چشمگیر می باشد، لیکن امضای پیمان جدید دوستی بین آلمان شرقی و شوروی و لهستان و شوروی، دخالت شوروی در انگولا و عکس العمل آمریکا در مورد کاهش آهنگ رشد مبادلات بازرگانی آن کشور با شوروی، تعلل شوروی در فروش نفت به آمریکا و بسیاری مشکلات دیگر باعث شده است که ناظران و مفسران مسایل سیاسی نسبت به آینده تشنج زدایی و اجرای نکات مورد توافق در هلسنکی ابراز تردید و بدبینی کنند.

مخالفتان تشنج زدایی

پیدایش اختلافاتی چند در روابط بین آمریکا و شوروی از یک سال پیش به این طرف و این که فورد رئیس جمهوری وقت آمریکا در سخنرانی خود برای لژیون آمریکایی در مینیاپولیس این نکته را ذکر کرد که شاید لازم باشد لغت تشنج زدایی را از واژگان حذف نماید و بالاخره (همان طور که مذکور اقتاد) دخالت

وسیع شوروی و کوبا در آن گولا همه و همه منجر به ارائه تاز جدیدی شده است که عمر تشنج زدایی را کوتاه پنداشته و پایان آن را نزدیک میانگارد. اصولا انتقادات نسبت به تشنج زدایی، تنش زدایی یا سیاست تفاهم تنها به گفته فورد محدود نمی شود. اخیراً ویلیام سافیر* یکی از روزنامه نگاران برجسته آمریکایی طی مقاله‌ی در «دی تسایت» نشریه هفتگی آلمان از جنگ سرد دوم سخن رانده است* مراد او این است که پس از جنگ سردی که در پایان جنگ دوم جهانی شاهد آن بودیم، یک دوران تشنج زدایی داشتیم که از سال ۱۹۶۲ یا ۱۹۶۴ شروع شد و در حال حاضر دنیا در حال ورود به جنگ سرد دوم است. این است که فورد تنها شخصی نبود که تشنج زدایی را مورد انتقاد قرار داد و اصولاً شاید درست نبود که این نوع انتقادات از رئیس جمهوری وقت در کوران و بحران فعالیت های انتخابی جدی گرفته شود، لازم است در مورد این مسأله که به طور کلی چگونه انتقادهایی (چه از جانب غرب و چه از سوی شرق) به تشنج زدایی وارد است اشاره مختصری بعمل- آید، در غرب نمایندگان جناح های متمایل به راست تا حد زیادی به تشنج زدایی انتقاد دارند، از جمله ژوزف اشتراوس* یکی از وزرای سابق دفاع و عضو حزب اتحادیه دمکرات مسیحی - سوسیال مسیحی (۴) معتقد است که سیاست تشنج زدایی موفق نبوده و بایستی قطار تشنج زدایی را که در حال حرکت است، لااقل در ایستگاه- هایی که متوقف می شود، از کار انداخت. به عبارت ساده چون اشتراوس و هم مسلمان او به تشنج زدایی اعتقاد ندارند، بایستی این قطار را برای همیشه متوقف کرد. (۵) به طور کلی می توان انتقاد هایی را که نسبت به تشنج زدایی شده به سه دسته تقسیم کرد:

* - William Safire

* - Die Zeit v. 30/1/1976

* - Joseph Strauss

دسته اول انتقاد از طرف کسانی است که به طور کلی و اصولاً تشنج زدایی را مردود می‌شمارند و عقیده دارند که تشنج زدایی رویه‌رفته سیاستی است غیر قابل قبول. اینان تشنج زدایی را از همان مراحل نخستین مورد تردید قرار می‌دهند و نفی می‌نمایند در کنار این گروه عده‌ی وجود دارند که بنا به ملاحظات سیاسی معمولاً نمی‌توانند تشنج زدایی را یکجا و درست مردود شمارند و از این رو به قسمت‌هایی از تشنج زدایی ایراد و اعتراض می‌کنند مثلاً می‌گویند که باسالت یا محدود کردن سلاح‌های استراتژیک موافق نیستند.

یک دسته دیگر عقیده دارند تشنج زدایی بسود کشورهای سوسیالیستی است و در حقیقت در این معامله کفه سنگین‌تر به طرف کشورهای سوسیالیستی است. طرفداران بینش اخیر الذکر را عقیده بر آنست که بایستی در اصول تشنج زدایی تجدید نظر کرد به طوری که وزنه سنگین به طرف غرب متمایل شود و اصولاً راه‌حل‌های به‌تری تعقیب گردد. (۶)

انتقاد دسته سوم مربوط می‌شود به دنیای شرق و بویژه به شوروی، وابستگان به این گروه عقیده دارند که شوروی عقیده چندانی به تشنج زدایی ندارد و حتی مختصر علاقه خویش را از دست داده است استدلال آنان اینست که شوروی متوجه شده با پیروی از اصول تشنج زدایی با مال مقداری از آزادی‌های فردی و اجتماعی به کشورهای سوسیالیستی رسوخ خواهد کرد، و این در یک تحلیل نهایی ممکن است به تغییر بنیانی و ریشه‌ی در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشورها منجر گردد.

به همین ترتیب دلیل دیگری برای عدم یا کاهش علاقه شوروی این است که

دنیای غرب با بحران روبروست: بحران های اقتصادی، تورم و مسایلی نظیر آن، بنا بر این چه دلیلی وجود دارد که شوروی با قبول سیاست تشنج زدایی غرب طوفان زده و بحرانی را نجات دهد؟ و بالاخره اینان مسأله نهضت های آزادی خواهانه، استقلال طلبانه و جنبش های ضد امپریالیستی را بمیان می آورند و اظهار می دارند که پشتیبانی از این گونه جنبش ها در دستور کار کشورهای با اقتصاد بر نامه ریزی شده قرار دارد. درست است که مورد و تمام گروه هایی که ذکر شد با تقادمی پرداختند و تا حدودی به تشنج زدایی بدین شده اند، لیکن بایستی واقع بینانه توجه کنیم که حداقل پس از سال ۱۹۷۲ از تعداد بحران های جهانی کاسته شده و بخصوص در جنگ ۱۹۷۳ بین اعراب و اسرائیل در گیری های قدرت های بزرگ خیلی کم تر بوده است.

شرق و غرب در راه تشنج زدایی

برنارد ویلمز* در یکی از بررسی های خود تشنج زدایی را «منطق جنگ سرد» نامیده است. مراد او از این عبارت اشاره تلویحی به «منطق منافع» شرق و غرب است (۷) به عبارت دیگر او مدعیست که دو قطب متقابل یا دو طرف بحران با تکیه بر همان الگوی منطقی به مطالعه، تجزیه و تحلیل، محاسبه منافع و ضرر های خود می پردازند. این منافع در هر دو طرف برابرند و متضمن این نکته اند که جنگ سرد از لحاظ اقتصادی مقرون بصرفه نبوده و از لحاظ نظامی در بر گیرنده مخاطرات فراوان است.

تلاش مشترک در بلوک شرق و غرب برای یافتن يك الكوی متقابل کم هزینه تر و خالی از مخاطره ناشی از همین محاسبه و ارزیابیست. تشنج زدایی، سیاستی است که هدف کاهش تسلیحات نظامی، همکاری های اقتصادی و همچنین ایجاد

تسهیلات در روابط بین کشورها را دنبال می نماید . تشنج زدایی « منطق جنگ سرد است »

از ویژگی های دهه ۱۹۶۰ - ۱۹۵۰ رقابت بین شوروی و آمریکا در زمینه تسلیحات سنتی و اتمی است ، بلافاصله پس از این که شوروی در اواخر دهه شصت به یک قدرت عظیم هسته ای تبدیل گشت و موفق به تأسیس سیستم های وسیع حمل-کننده (اتمی) شد ، یکنوع حالت « پات » یا توازن اتمی میان آمریکا و شوروی پدید آمد « حالت پات » یا ناتوانی برای بکار گرفتن سلاح های اتمی به معنی برابری کامل تسلیحات اتمی دوازدگه شرق و غرب نیست . مراد از حالت « پات » اینست که در صورت استفاده جدی از سلاح اتمی طرف مورد حمله با تمام دستاوردهای پیچیده خود از تکنیک و تمدن یک جا و به طور کلی نابود گردد . هر دو قدرت جهانی پی برده اند که یک نابودی جهانی یا یک خود کشی دسته جمعی امکان پذیر است . روابط اقتصادی و تجاری بین دو بلوک شرق و غرب در دوران جنگ سرد دستخوش بی رونقی کامل بوده با پدید آمدن بحران های ادواری در اقتصاد غرب و ظهور بحران انرژی و مواد اولیه نیاز به همکاری های اقتصادی و رونق بخشیدن به تجارت با شرق هر چه بیش تر محسوس گردید . *

ما در دوران انقلاب علم و تکنولوژی بسر می بریم و این انقلاب مسایل را از چهارچوب منطقه ای به چهارچوب جهانی سوق داده است ، به طوری که مسایل دنیای غرب مسایل جهان شرق نیز هستند (بحران انرژی) به طور کلی می توان گفت که مسایل جهانی شده اند و این جهانی شدن مسایل همکاری بین المللی ، تخفیف تشنج و کاهش تدریجی نیروها و هزینه های نظامی را ایجاب می نماید .

دردنیای ما، هر دو قدرت بزرگ و کلیه کشورهای جهان پی برده‌اند که با تعقیب و پیروی از سیاست های دفاعی ممکن است همان سیاست هایی را که دنبال می کنند یا همان آرمان های اقتصادی و اجتماعی را که از آن دفاع می کنند، دستخوش نابودی و اضمحلال سازند به عبارت دیگر اینان به این مسأله پی برده‌اند که هزینه های سرسام آور نظامی ممکن است همان دستاوردها و منابع اقتصادی و اجتماعی را در یک لحظه نابود کند. در طول سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ تا ۱۴۱۸ میلیارد دلار و پیمان ورشو ۷۰۳ میلیارد دلار خرج تسلیحات خود کرده‌اند، ۲۱ درصد همه کارگران آمریکایی در صنایع نظامی بکار اشتغال دارند مضافاً بر این که ۱۶ درصد از کسانی که در آمریکا در کار های تحقیقاتی و پژوهشی شرکت دارند به نحوی در صنایع نظامی خدمت می کنند، رقم مشابه برای مهندسين ۲۰ درصد و برای تکنيسين ها ۲۲ درصد است. ارقام فوق عواقب و نتایج مسأله تسلیحات و مسابقه تسلیحاتی را هر چه عریان تر رسم می کنند و توجیه کننده پدیده جدیدی هستند به نام تشنج-زدایی که دوبرلوک، دو قطب شرق و غرب را بهم نزدیک کرده است. تشنج زدایی شرط لازم برای تقلیل هزینه های نظامی است. در حال حاضر با وجود انعقاد قرارداد های مهمی در زمینه کاهش و محدودیت تسلیحات نظامی هنوز هیچ گونه تضمین قطعی برای نیل به صلح و عدم سقوط به پرتگاه بحران های موخس وجود ندارد، مسلم است که هنوز هستند افرادی که درست یا خطا منافع خود را در گسترش جنگی و تسلیحاتی می بینند. بر آگاهان سیاسی است که افکار عمومی را چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی از تأثیر های مسابقه های تسلیحاتی بر جنبه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع و خطرات ناشی از آن مطلع سازند.

بلوک غرب برای ادامه تشنج زدایی دلایل فراوان دارد. غرب بخاطر حل مشکلات اقتصادی (بحران انرژی، تورم، رکود اقتصادی، وضع نابسامان پولی) نیاز به آسایش و آرامش بیش تر دارد. منافع غرب ایجاب می نماید که درگیری های کم تری با شرق داشته باشد، درویتنام جنگ را خاتمه می دهد، درخاورمیانه سعی می کند جنگ را بسرانجام برساند و به همین سیاق کار به آنجایی می رسد که آمریکا برای حل مشکلات اقتصادی خود (حداقل از دو سال پیش به این طرف) اولویت بیش تری قایل می شود تا مسأله ویتنام. یکی از دلایلی که آمریکا در آخرین لحظه ها، خیلی سریع از ویتنام خارج شد غیر از مسایل و ملاحظات سیاسی، مشکلات اقتصادی این کشور بود. پس برای آمریکا تأمین منابع انرژی و تأمین نفت، نه تنها برای خود بل که برای اروپا خیلی مهم تر است تا این که برای مثال با ژاپن رابطه صمیمانه تر داشته باشد یا با آمریکا لاتین، برای شوروی و اقمار آن نیز مسایلی وجود دارد، مشکلات اقتصادی اخیراً باعث نزدیکی کشورهای اخیرالذکر به آمریکا شده است، برای مثال خرید گندم شوروی از آمریکا و مبادلات فرهنگی به پیروی از همین روش بوده است.

در اعلامیه مشترک نیکسون و برژنف به مناسبت دیدار از مسکو در سال ۱۹۷۲ تأکید شده است که در دوران بمب اتم برای آمریکا شوروی دیگر جز تعقیب خط مشی همزیستی مسالمت آمیز راهی وجود ندارد، معنی این حرف آنست که روابط دو بلوک شرق و غرب در آینده نزدیک تنها در محدوده رقابت های صلح آمیز و همکاری های نسبی قابل تصورات است.

دوران کوتاه تشنج زدایی گاه بگاه شاهد ناکامی ها، گرایش به سقوط مجدد

به ورطه جنک سرد و خلاصه وجود موانع در راه تشنج زدایی بوده است. تضمین قطعی صلح و امنیت اروپا و جهان ، امروزه امکان پذیر نیست ، لیکن تشنج زدایی تنها شانس و وسیله واقعی برای جلوگیری موفقیت آمیز از یک جنک هسته‌یی و راه حل و تنها راه حل برای مشکل بشریت است. این آخرین فرصت است و جز این شانس دیگری وجود ندارد .

یادداشت ها و برگزیده ماخذ

الف : یادداشت ها

۱ - برای مطالعه دقیق واژه Détente رجوع کنید به :

Rosecrance , R . N . , Bipolarity, Multipolarity and the Future pp . 325 – 335 in Rosenau J . N . (ed.) , International - Politics and Foreign Policy, The Free Press, New York , 1969

۲ - در دایرة المعارف بزرگ لاروس (جلد ۴ صفحه ۲۱) مضافاً معانی ذیل در مورد

واژه Détente بکاررفته است :

قرار گرفتن انگشت روی ماشه یعنی آمادگی کامل برای تیراندازی - رها کردن، استراحت، تقلیل فشار ، گذشت ، وسعت نظر، پس از خستگی فراوان خود را به استراحت سپردن، بهبودی بخشیدن به روابط خود با اشخاص ، رهایی ، انبساط ، پایین آوردن حرارت در مایعاتی که در حال تبخیر هستند ، کم کردن شدت صدا در آلات و ادوات صوتی تا به خاموشی منجر شود . آزاد کردن و منبسط ساختن گازی که تحت فشار متراکم شده است .

در لغت نامه وبستر قرن بیستم این واژه بمعنای استراحت ، تمدد اعصاب ، تقلیل و کاهش

فشار و تشنج آمده است :

(Websters's New Twentieth Century Dictionary , vol .

I, P. 496)

۳ - SALT I - ۲ - سال ۲ در جریان است و موفقیت برای امضای دومین موافقتنامه

تاکنون قرین موفقیت نبوده و با اشکالاتی مواجه بوده است .

۴ - این اتحادیه با تصمیم اخیر ژرژف اشتراوس دایر بر تشکیل حزب سوسیال مسیحی در تمام آلمان (این شعبه از اتحادیه قبلاً فقط در استان باواریا فعالیت داشت) ، بدو شعبه تقسیم شد هدف اشتراوس احتمالاً آماده کردن خویش برای اعلام نامزدی خود برای مقام صدراعظمی در انتخابات ۱۹۸۰ آلمان غربی است .

۵ - رجوع کنید به سلسله مقالات اشتراوس تحت عنوان : آلمان ، آینده تو

Deutschland Deine Zukunft

۶ - از طرف دیگر عده‌یی از منتقدین غربی بر این عقیده اند که تشنج زدایی بهتر از جنگ سرد می‌تواند به عوامل و جریانات مؤثر در ایجاد ناپایداری و موجد تغییر در شوروی کمک نماید برای مطالعه بیش تر در این زمینه رجوع کنید به

Bredow, Wilfried v., Urspruenge und Aussishten der Ost- west Entspannung, in : «Blaetter fuer Deutsche und Internationale politik » , Koeln, No. 11, 1976

7 - Williams, Bernard, Entspannung und friedliche Koexistenz, Muenchen 1974, s. 58

ب : منابع مورد استفاده

Dictionaries and EncycloPidiias :

1 - Davis, Robert, Lexicon of Historical and Political Terms, New york, 1973

2 - websters' s New Twentieth Century Dictionary, vol. I

3 - Grand Larousse Encyclopedique 4, Paris, 1961

Books :

1 - Rodee , Carlton C . , Introduction to Political Science , New York , 1976

2 - Rosecrance R. N. Bipolarity Multipolarity and the Future , in Rosenau] . N . (ed .) International politics

and Foreign policy.

3 – Wilms , Bernard , Entspannung und friedliche Koexistenz , Muenchen 1974

Periodicals

1 – Blaetter fuer deutsche und internationale politik
No . 1 (Januar , 1975) , No. 2 (Februar , 1976) No . 11
(November , 1976

2 – Mondale walter F . « Beyond Détente : Toward International Economic Security» , Foreign Affairs, vol 53,
No . 1 (October 1974)



پښتونخوا کونړو علوم او ادبيات د پښتو
پرتال جامع علوم انساني